فانوس
لبیک امام
۱۹
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/شماره نوزدهم/بهار ۱۳۹۴

# هیأت حسینی هیأت یزیدی

سخنرانی حسن رحیم پور ازغدی (زیدعزه)

فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره نوزدهم، بهار ۱۳۹۴
**هیأت حسینی، هیأت یزیدی**
سخنرانی حسن رحیم‌پور ازغدی(زیدعزه)
درسومین همایش هیأت‌های محوری و برگزیده کشور ـ ۳ و ۴ مهرماه ۱۳۹۳ ـ شهر مقدس قم
**ویرایش و تنظیم:** معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر
**طراح ناموواره:** علی ناصری
**صفحه‌آرا:** حسن ناصری
**شمارگان:** ۵۰۰۰ نسخه
**قیمت:** ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش، نذر سالار شهیدان)
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

**جامعه ایمانی مشعر**
**نشانی:** قم، بلوارامین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰
**تلفکس:** ۰۲۵ ـ ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱
**کدپستی:** ۳۷۱۵۱ ـ ۳۷۱۶۶
**سامانه پیامک:** ۳۰۰۰۱۵۴۲
**پایگاه اطلاع‌رسانی:** www.۱۵۴۲.org
**رایانامه:** info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد الله رب العالمین و الصلاه و السلام علی نبینا نبی الرحمه ابی القاسم محمد و آله آل الله

**محرم حسینی و محرم یزیدی**

ما دو نوع محرم داریم؛ محرم حسینی و محرم یزیدی. چرا این نام‌گذاری شد؟ اولین مجلس رسمی روضه امام حسین(ع) را چه کسی برگزار کرد؟ وقتی‌که آبرویش رفت، و مشروعیتش زیر سؤال رفت و آن مقاومت منفی و هوشیارانه و مجاهدانه‌ای که حضرت زینب(س) و حضرت علی‌ابن‌الحسین(ع) انجام دادند، آن‌قدر بی‌آبرو شد که آن‌کسی که اوّل با خیزان زد و با لب امام حسین(ع) بازی می‌کرد و از موضع بالا می‌گفت: دیدید خدا با شما چه کرد؟ دیدید که حساب‌تان را رسیدیم؟ بعد از مدتی مجبور شد بگوید، که من اصلاً در جریان قضایا نبودم. عبیدالله‌ابن‌زیاد و ابن‌سعد این کار را کردند و خدا لعنتشان کند. مجلس بزرگداشت برای امام حسین(ع) و شهدای کربلا گرفتند و کاروان، دیگر از شام به مدینه، کاروان اسرا نبودند. از آنجا به بعد طبق بسیاری از روایات و نقل‌ها این کاروان مهمان خلیفه و با احترام برده و برگرداندند. پس ما دو نوع روضه امام حسین(ع) داریم. یکی روضه یزیدی و یکی روضه زینبی. اولین روضه سیدالشهدا(ع) روضه‌ای بود که حضرت زینب(س) خواندند. در خود کوفه خواندند. یک سبک هم روضه دربار بود. ما نه‌فقط دو محرم و دو روضه‌خوانی داریم، بلکه

دو نوع امام حسین(ع) داریم. یک امام حسین(ع) که برای اصلاح امت جدش و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر؛ یعنی انتقاد و اصلاح جامعه و حاکمیت ارزش‌های توحیدی و عدالت در جامعه قیام می‌کند و به شهادت می‌رسد، و یک امام حسینی که اصلاً و فقط شهید شده برای این‌که شفاعت ما را کند؛ یعنی فلسفه عاشورا و کربلا خود شهادت است. یک امام حسینی داریم که به دنیا و آخرت مردم از تربیت و اخلاق و عبادت و توحید تا عدالت و سبک زندگی و رشدشان کار دارد، و یک امام حسینی(ع) که یک مسئله شخصی و قتل شخصی بوده و اتفاق افتاده است و ما داریم برای یک مظلوم که چون فرزند پیغمبر(ص) بوده به‌طور ویژه اشک می‌ریزیم. می‌گویند: روزی که روس‌ها مرحوم ثقةالسلام، عالم مجاهد، مشروطه‌خواه تبریز را داشتند به دار می‌کشیدند، روز عاشورا بود. همان روز در خیابان‌های تبریز هزاران و بلکه چند ده هزار نفر داشتند قمه می‌زدند. یکی از این آمران به معروف و ناهیان از منکر و مجاهدین و از یاران آن عالم آمد پیش این‌هایی که قمه می‌زدند، گفت: آقا! عالم دین را دارند در مرکز شهر اسلام به جرم دفاع از اسلام و مسلمین به دار می‌کشند. بیایید کمک کنید. امروز عاشورا است و این فرزند حسین(ع) است و این راه حسین(ع) است. آن‌ها گفتند: دیگر جان ما حسین(ع) را سیاسی نکن. یک امام حسینی(ع) ما داریم، او را بگذارید برای ما. یک عاشورا را بگذار حال کنیم. گفت: همین قمه‌ها که دستتان هست دستتان باشد و با همین بیایید تو میدان اعدام، که این روس‌ها ببینند که ده هزار نفر اشک می‌ریزند و قمه دستشان است. فقط قمه‌هایتان را به آن‌ها نشان دهید. گفتند: نه، اینجا ممکن است صدمه بخوریم،کشته شویم و خون بریزد. احتیاط شرعی خلاف احتیاط است. قمه به سرش می‌زند ثواب دارد، قمه به کافر که اشغال کرده سرزمین اسلام را و طبق احکام همه فقها بدون احتیاج به اذن مجتهد، جهاد دفاعی بر همه زن و مرد واجب است، بر کودک و زن و مرد واجب است، اما آنجا احتیاط می‌کند که نکند سرش خونی شود. اینجا می‌خواهد با امام حسین(ع) حال کند. چهار خیابان آن‌طرف‌تر چند هزار نفر قمه زدند و خونی کردند خودشان را و اشغالگران آن عالم را در وسط شهر در روز عاشورا به دار کشیدند و کسی اعتراض نکرد.

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر؛ یعنی دعوت به عدالت و مبارزه با ظلم. دعوای سقیفه، دعوای شخصی نبود. بلکه مسئله بر این بود که چه کسی حکومت کند و درواقع مسئله سیاسی بود.

## هیأت و مسئله دین و سیاست

دو نوع امام حسین(ع) داریم و دو نوع هیأت داریم. می‌گویند شهید امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شده ولی خودشان هیچ‌وقت حاضر به امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر نیستند، مگر وقتی که بی‌خطر باشد. امروز روز امام جواد(ع) است. روایتی از ایشان است که فرمودند: هر کس در هر موقعیت و در هر زمان و جامعه‌ای که هست اگر مسئولیت خود را در برابر معروف و منکرهای فردی و اجتماعی انجام بدهد؛ یعنی نسبت به ارزش معروف، و ضد معروف موضع

بگیرد، هم مشمول نصرت خداست و هم مشمول رحمت خداست؛ یعنی خدا هم در دنیا یاری‌اش می‌کند و هم در آخرت مورد رحمت خداست. آن‌هایی که امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را رها می‌کنند و از صحنه فرار می‌کنند، می‌گویند: این‌ها مسائل سیاسی است و به ما ربطی ندارد. ما با امام حسین(ع) عشق می‌کنیم و ما برای ثواب شخصی آمدیم. امام جواد(ع) فرمودند: در دنیا خذلان و رسوایی و پستی خواهند داشت و زیر بار ستم خواهند افتاد و در آخرت هم عقاب و عذاب الهی. امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مگر چیست؟ آن آخوندهایی که می‌گفتند: سیاست و مبارزه با شاه و صدام در همین حوزه قم و نجف و مشهد بودند. هیأت داشتند و دارند و می‌گفتند: حضرت امام حسین(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) برای ما هستند. با آقا امام زمان(عج) در نیمه شعبان بگذارید چراغانی کنیم و حالی بکنیم. بعد یک نفر از این‌ها نمی‌پرسد امام زمان(ع) قرار است که بیاید چه کار کند؟ همه روایات می‌گویند: عدالت. یک روایت ندیدم که امام زمان(ع) می‌آیند به‌عنوان‌مثال، تعداد مسجدها را ده برابر کنند و حسینیه بسازند. همچنین چیزی نیست. چون آن‌ها را خود مردم می‌سازند. بالاترین معروف عدالت است. بالاترین منکر ظلم است. امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر؛ یعنی دعوت به عدالت و مبارزه با ظلم. دعوای سقیفه، دعوای شخصی نبود. بلکه مسئله بر این بود که چه کسی حکومت کند و درواقع مسئله سیاسی بود. سقیفه سیاسی بود یا غیرسیاسی؟ فقط سیاست است. مسئله حاکمیت بود و الا همه فضایل علی ابن ابی‌طالب(ع) را قبول داشتند. عاشورا سیاسی است یا غیرسیاسی؟ سیاسی است. اگر امام حسین(ع) فقط احکام می‌گفت، اخلاق می‌گفت، امام حسین(ع) را می‌کشتند؟ امام حسین(ع) گفت: با تو بیعت نمی‌کنم. من حکومت تو را مشروع نمی‌دانم. ولایت حق شماها نیست. سیاسی بود. در غدیر، اصلاً اختلاف شیعه با غیر شیعه روی همین است. آن‌ها می‌گویند: فقط ولایت به مفهوم محبت است و ارزش‌های معنوی علی ابن ابی‌طالب(ع) را قبول داریم ولی حکومتش را قبول نداریم. مسئله سیاسی است. مسئله امام زمان(ع) سیاسی می‌باشد یا نه؟ امام زمان(ع) قرار است بیاید که چه‌کار کند؟ جهان مملو از ظلم را جهان مملو از عدالت کند. عدالت و ظلم سیاسی است یا نیست؟ این هیأت‌ها و آخوندهایی که قبل انقلاب به شکلی و آلان به یک‌شکل دیگرند و آن‌وقت می‌گفتند: هیأت و مسجد و امام حسین(ع) را دیگر به شاه مربوط نکن. پرچم هیأت‌ها را دربار می‌آورد و می‌داد به او. سند داریم که سفارت انگلیس و دربار قمه و زنجیر توزیع می‌کرد که بین هیأت‌ها زنجیر بزنند ولی روی پرچم‌هایشان می‌نویسند یا ابوالفضل جاوید شاه. آخوند و هیأت‌هایی داشتیم و داریم در نجف بودند، که می‌گفتند: زیر سایه صدام زندگی می‌کنیم. آمریکا آمد کربلا و نجف را اشغال کرد. مکه و مدینه زیر پای دشمنان اسلام و اهل‌بیت

و نوکران آمریکا و اسرائیل بود. زیردست صهیونیست‌ها و این‌ها بودند و ککشان نگزید و نمی‌گزد. هیأت‌هایی داشـــتیم که بزرگ‌ترین رقابت‌شان این بود که آقا این دسته‌ای که برمی‌داریم و این علمی که ما برمی‌داریم، ســـنگین‌تر است یا علم آن‌ها؟ هیأت چه کسی زودتر وارد حرم می‌شود؟ کدام هیأت زودتر از سر چهارراه رد می‌شود. این وسط این‌ها چه ربطی به امام حسین(ع) داشته؟ در کدام‌یک از این روایات ما و در کجای قرآن و در کدام روایت از روایات اهل‌بیت و کدام سیدالشهدا این را گفته است؟ این‌که برایت مهم نباشد که چه کسی بر مسلمین حکومت می‌کند؟ امّا برایت مهم باشد که هیأت تو بیشتر مطرح شد یا هیأت آن‌ها؟ قیمت این مداح این‌قدر بود یا آن‌قدر. دو نوع هیأت است. دو نوع مداحی است. دو نوع سینه‌زنی است. یادم است زمان انقلاب در مشهد هیأت‌ها همه می‌آمدند سمت حرم امام رضا(ع) و هیچ‌کدام سیاسی شعار نمی‌دادند. یک هیأت آمد که عاشورا نبود و اولین عزاداری بود که قبل از عاشورا بود. این هیأت آمد و گفت: راه حسین امروز هم است و امروز ما با یزید این زمان هم مبارزه می‌کنیم. تمام آن هیأت‌های دیگر را دولت و پلیس و شاه شیرینی پخش می‌کردند این هیأت صد متر نرفت که همه‌شان را سرکوب کردند و گرفتند. این فرق دو هیأت است. یک‌طور سینه زدن برای اباعبدالله(ع) داشتیم که این‌طرف و آن‌طرف آن یک شور قبلش و یک سور بعدش بود. یک سینه‌زنی هم برای اباعبدالله(ع) داشتیم در شب عملیات که نصف بچه‌هایی که سینه می‌زدند دیگر تا صبح نبودند و شهید می‌شدند. این دو نوع هیأت حسینی است. دو نوع عزاداری است. یکی عزاداری معتمد با توحید و عدالت و بر اساس اخلاص و یکی هم یک مغازه مذهبی باز کرد. این در همه مذاهب و ادیان است. بروید و ببینید. شکل‌های دیگرش را همه‌شان دارند. هدف چیست؟ توحید و عدالت است یا نیست؟ عزاداری، عزاداری است که به فلسفه امام، حرکت سیدالشهدا(ع) و به قیام امام زمان(ع) و به فلسفه غدیر مربوط باشد. و طرف نگوید که دیگر امام حسین(ع) را بگذارید برای ما. امام حسین(ع) را سیاسی نکنید. فکر می‌کند که امام حسین(ع) غیرسیاسی است. شیعه آب خوردنش هم سیاسی است. آب می‌خورد می‌گوید: لعنت بر یزید. یزید که هزاروچند سال پیش رفته پی کارش، لعنت بر چه کسی می‌فرستی؟ آب می‌خورد، سیاه می‌پوشد هرماه و هرسال می‌گوید: طوری اشک می‌ریزم و طوری به سروسینه می‌زنم که گویا همین امروز صبح سیدالشهدا(ع) را کشتند. ما مگر می‌گذاریم که این خون پاک شود. این خون حسین(ع) را تا آخر نمی‌گذاریم پاک شود. ما با همین خون همه حکومت‌ها را سرنگون می‌کنیم. با همین خون، با پرچم امام حسین(ع) شاه سرنگون شد. با پرچم امام حسین(ع) صدام شکست خورد. با پرچم امام حسین(ع) والله رژیم اسرائیل شکست می‌خورد. با پرچم امام حسین(ع) در عراق

تعزیه به شـــرطی عبادت خداست که در هدف و روش با هیچ نهی شـــرعی جمع نشـــود. هیچ مکروه یا حرامی در او اتفاق نیفتد.

و سوریه هر غلطی می‌کنند و به جایی نمی‌رسند. دو روز قبل با پرچم امام حسین(ع) یمن آزاد شد. البته هنوز ماجراها دارد. بعد از ۱۴۰۰ سال آن هفتاد و دو تن دارند جهان را تغییر می‌دهند. همین یادتان باشد یک روزی پرچم بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان به پایین کشیده خواهد شد، منتها این حسین واقعی است. نه آن حسینی که درست کردند به این‌که امام حسین(ع) کشته شد فقط برای این‌که ما عزاداری کنیم، ثواب کنیم تا ایشان شفیع ما شود. عزاداری امام حسین(ع) بزرگ‌ترین عبادت است. حسین(ع) بزرگ‌ترین شفیع است. امّا هدف کربلا اطاعت خداوند، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و اقامه قسط، عدالت و مبارزه با اسلام قلابی بود.

### اسلام بی خطر

یک عده یک اسلام آسان می‌خواهند. می‌خواهند مذهبی باشد، هیأتی باشد و هیچ‌وقت هم به خطر نیفتند. روی جان، مال و آبرویش ریسک نکند. آسان باشد. همه کارها آسان، راحت و شسته و رفته باشد. بعضی‌ها این‌طور هستند که امام به این می‌گفت: اسلام آمریکایی، اسلام انگلیسی. تشیع انگلیسی به تعبیر رهبری. اسلام آمریکایی به تعبیر امام و تشیع انگلیسی به تعبیر رهبری. اسلامی که می‌گوید ظلم و عدالت مساوی است. حسین و یزید را واقعه‌ای بود آن هم ۱۴۰۰ سال قبل.

### شرط عزاداری در بیان شیخ عباس قمی

ببینید که شیخ عباس قمی(رحمة الله علیه) چه می‌گوید. می‌دانید که یک آخوند سنتی که حرفش برای همه حجت است ذره‌ای هم شائبه روشنفکر بازی در این آدم نیست. راجع به تعزیه و آداب عزاداری و هیأت‌ها بحث می‌کند و می‌گوید که مخفی نماند آن‌چه که متعارف است و در بلاد شیعه اقامه تعزیه و ماتم جناب سیدالشهدا و تعطیل نصب خیام و ... است. چند اصل از ایشان می‌گویم چون متنش مفصل است و من می‌خواهم خواهشی کنم که متن را همه ببینند. می‌گوید: تعزیه به شرطی عبادت خداست که در هدف و روش با هیچ نهی شرعی جمع نشود. هیچ مکروه یا حرامی در او اتفاق نیفتد. بعد حرام و مکروه‌ها را می‌شمارد. منظور از حرام اینجا شراب‌خوری نیست که حالا وسط هیأت آقا ما شراب نمی‌خوریم. ما داریم عرق‌خورهایی که می‌گویند: آقا یک سال عرق بخور امام حسین همه را یک جا حساب می‌کند. این را از کجا آوردند؟ ربا بگیر یک سال، زنا بکن، دروغ بگو، کلاه مردم را در بازار بردار، گرانفروشی کن، به خانوداه‌ات ظلم کن، به همسایه ستم کن، یک شب مهمان اباعبدالله هستی. این را نفهمیدم از کجا آوردند. این خلاف بسیاری از روایات ما است. محبت اهل‌بیت اعجاز می‌کند؟ بله، امّا این محبت اهل‌بیت نیست، این کلاه‌برداری به اسم اهل‌بیت است.



فرصت نیست یک وقتی جلسه‌ای بگذارید من روایاتی که خلاف این دیدگاه است که بیش از هشتاد روایت صریح داریم که از پیامبر و اهل‌بیت است را برایتان بخوانم. آقا شیخ عباس قمی می‌گوید که نه در هدف و نه در روش، در عزاداری‌ها هیچ فعل مکروه یا حرامی نباشد. منظور از حرام عرض کردم که عرق‌خوری و زنا و ربا نیست. چه کسی وسط هیأت می‌آید که زنا بکند. نه، می‌گوید: منظورم از حرام و مکروه همان حرام و مکروه‌هایی است که با اغلب عزاداری‌های مردم آن را جمع می‌کنند. مثالش را عرض می‌کنم. یکی از آن موارد ریاء است. یکی نشر کذب است. این‌ها عین تعابیر ایشان است. آن حرام و گناه‌هایی که می‌کنیم. می‌گوید: یکی ریاء یکی کذب، دروغ گفتن برای این‌که بازار هیأت گرم شود. ریاء کردن، پز دادن، ادا در آوردن که هیأت ما، محل ما، آخوند ما، مداح ما، در هیأت شما چه کسی آمده است؟ می‌گوید: هیأت ما فلانی آمده است. آقا شیخ عباس قمی می‌گوید: همه این‌ها حرام است و چنین مجالسی ریاء است و گناه دارد نه ثواب. سوم، غناء است. خواندن، بازی کردن با صوت و لفظ و همین اداهای مجاز و پاپ و این کارها در آوردن و برای این‌که جمعیت بجنبد و تکان تکان بخورد. عین این سه مورد را عیناً شیخ عباس قمی می‌آورد. روایاتش را هم می‌آورد. یکی هم می‌گوید: بکاء ریایی نباشد. ریاء در عبادت مثل ربا در معامله است. عین عبارت ایشان را می‌گویم. ابکاء و گریاندن و تباکی یعنی تظاهر به بکاء مراد ریای در گریه نیست و به هر قسمت نیست. ادای گریه نیست. ریا در عبادت مثل قیاس در ادله شرعی و ربا در معامله است و حرام است. می‌گوید: هر هیأت یا عزاداری که ذره‌ای ریاء در آن باشد یعنی بخواهی خودت را نشان دهی شیخ عباس قمی می‌گوید: آن جلسه، جلسه معصیت است. هدف، احیاء امر دین و امر ائمه است. می‌گوید: این جلسه، جلسه فرشتگان است. جلسه ملائکه الله است. تباکی هم تظاهر به گریه نیست، گریاندن متقابل یکدیگر است. یک تقابل جمعی است و تظاهر ریایی نیست.

### شادی و غم مکتبی

بعد ایشان می‌گوید: جزع بر اهل‌بیت جزع شخصی نیست، یک جزع اجتماعی است. تظلم علیه ظلم است. یک شادی و غم به تعبیر امروزی‌ها شادی و غم مکتبی است. شادی و غم ایدئولوژیک و مداحی است. مسلکی است. شادی و غم شخصی نیست. مرحوم سیدابن‌طاووس در مقتلش ببینید که می‌گوید: واقعیت این است که سیدالشهدا علیه‌السلام آن‌قدر عاشق شهادت و لقاء الله است که اگر نبود که به ما گفته بودند عزاداری کنید و اشک بریزید، جای جشن بود. سیدابن‌طاووس می‌گوید: منتها به ما گفتند: اشک بریزید حسین شاد است که می‌رود ولی ما باید اشک بریزیم هم بر این ظلم و هم بر محرومیت چنین کسی و با این اشک که گریه بر امام حسین علیه‌السلام

گریه عبادی سیاسی است. هم عبادت است و هم سیاست که سیاستش هم عبادت است. این شعارِ علیه همه ظلم در طول تاریخ است. شادی و غم مادی و شخصی نیست. شما فکر می‌کنید اگر ما را بزنند، مثلاً بچه خانم ما سقط شود و ما را کتک بزنند، لای در و دیوار گیر کنیم، تشنگی به ما بدهند در بیابان، فکر می‌کنیم ما چون ناراحت می‌شویم اهل‌بیت به همین دلایل ناراحت می‌شوند. یعنی مثل ما آدم‌هایی‌اند که از درد و گرسنگی و تشنگی گریه می‌کنند؟ این‌طور هستیم. ما به کاری که با آن‌ها کردند باید اعتراض کنیم و می‌کنیم و باید بگوییم. امّا فکر نکنم مصیبت بزرگ آن‌ها این باشد نگرانی ما این بوده که چرا این‌ها را زدند؟ یا چرا این‌ها رئیس نشدند؟ نگرانی اصلی نگرانی توحید و عدالت بود. نگرانی رشد انسان و تقرب الی الله بود. نگرانی همه انبیاء بود. امام حسین علیه‌السلام برای این است. یک چیزی در این میان بود که امام حسین علیه‌السلام هم پیش او ارزش نداشت. او ارزشش بیشتر بود از امام حسین. و الا چرا امام حسین علیه‌السلام فدای او شود؟ آن چیست که امام حسین علیه‌السلام که عصاره خلقت است پیش پای او قربانی می‌شود؟ آن چیست که از امام حسین علیه‌السلام عزیزتر است؟ از فاطمه علیهاالسلام و علی علیه‌السلام عزیزتر است؟ آن چیست؟ آن توحید است. خداست. عدالت است. فلسفه بعثت همه انبیاء قسط است. این‌ها در این راه شهید شدند. در این راه کتک خوردند. مسئله شخصی نبوده است. مرحوم شیخ عباس قمی می‌گوید: اصلاً مسئله این نبود که شخصی باشد. این گریه هم فریاد اعتراض است. هم اعلام ظلم و مظلومیت است. هم اعلام دیکتاتوری و خفقان است که نمی‌گذارند ما حرف بزنیم، گریه می‌کنیم. هم افشاء ظالم است.

استکبار وقتی از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد دو راه برای ضربه زدن انتخاب کرد. یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ.

### گریه مانع تحریف تاریخ

یکی دیگر از کارکردهای گریه نفی تحریف و افشاگری علیه رسانه‌های حاکم بود که می‌خواستند تاریخ را تحریف کنند. اگر این گریه‌ها نبود چند سال بعد می‌گفتند: بله، حسین‌بن‌علی رفته بود مکه بعد حالش به هم خورد و آمد بیرون و از مکه به سمت خانه پدری می‌رفتند که بین راه سکته کرد و از دنیا رفت. سرطانی گرفته است. اگر این گریه‌ها و این نوحه‌ها نبود باور کن الان در تاریخ این‌ها را نوشته بودند. این روضه‌های اباعبدالله نگذاشت که تحریف کنند تاریخ را مرحوم شیخ عباس قمی می‌گوید: به این معانی توجه کنید. می‌گوید: اخبار در این باب بسیار است.

### مراقب نواصد باشید

یک مسئله هم که ایشان می‌گوید: این که در زبان مراقب نواصد باشید. الان این حرف خیلی معنی دارد. نواصد یعنی همین تکفیری‌ها و افراطیون تکفیری. این خیلی جالب است. انگار الان گفته است. حاج شیخ عباس قمی می‌گوید: یک طوری عزاداری برای اهل‌بیت نکنید که زبان نواصد دراز شود که بگویند: این‌ها خلاف

قرآن، خلاف اسلام عمل می‌کنند. خیلی واقعاً لذت بردم و تعجب کردم از این هوشیاری شیخ عباس قمی که در آن زمان می‌گوید: چقدر گریه کردن ثواب دارد، چه‌قدر گریاندن ثواب دارد، چه‌قدر روایت داریم که مرثیه بگویید. چقدر ثواب می‌کنند این‌هایی که ناله برای امام حسین(ع) و کربلا را همیشه بلند و زنده نگه می‌دارند. اما در عین حال می‌فرماید: مراقب این‌ها باشید که یکی از آن را عرض کردم که ریا است. ریای اجتماعی، ریای فرهنگی و ریای خاص مجرم. یکی اخبار بسیار است. شیعیان عموماً و ذاکرین خصوصاً ملتفت باشند که در این سوگ و عزاداری به وجهی سلوک کنند که یک، زبان نواصد دراز نشود. حسین خدای من است، فاطمه رب من است، خدات کیه؟ رضا، مهدی. این‌ها دقیقاً یعنی کمک کردی. اولاً، این حرف‌ها خلاف مرام تشیع است. ثانیاً، این یعنی تقویت تکفیری که آن فیلم را بر می‌دارد و نشان می‌دهد و می‌گوید: آقا ببین، که مشرک است. خودش دارد می‌گوید که این‌ها خدای من هستند. آقا شیخ عباس قمی که روشنفکر و مدرن و از این حرف‌ها نیست. صاحب مفاتیح الجنان است کتابش مثل قرآن در همه خانه‌هاست. مظهر اخلاص است. من عقیده ام این است که اخلاص این آدم، این کتاب مفاتیح را کنار قرآن همه جا در خانه‌ها گذاشت. چه‌قدر میلیون‌ها آدم دارند از کتاب ایشان دعا می‌خوانند و اشک می‌ریزند. این اخلاص آقای شیخ عباس قمی است. حتی من شنیدم که گفتند: پدر ایشان نمی‌دانستند که این کتاب را ایشان نوشتند. گفته بودند: ببین چه کتاب خوبی است. اسم خود را ننوشته بود. ایشان می‌گوید: دقت کنید. از شیخ عباس قمی ولایتی‌تر من نمی‌شناسم. این آقایانی که ادعای ولایتی بودن می‌کنند خیلی‌هایشان اصلاً این‌طور نیستند. یک، به وجهی سلوک کنند در عزاداری و سوگ که زبان نواصد دراز نشود. چیزی نگو و کاری نکن که این تکفیری عکس و سند و فیلم آن را پخش کند و بگوید: این‌ها این‌طور هستند. دو، اقتصار بر واجبات و مستحبات کنید.

### پرهیز از غنا در نوحه‌ها

از استعمال محرمات، از قبیل غناء که غالباً نوحه‌های لطمه خالی از غناء نیست، اجتناب کنید؛ یعنی نوحه‌هایی که غناء است. از روی ترانه های این طرف و آن طرف بر می‌دارند برای این‌که هیجان کاذب دهند. آقا شیخ عباس قمی می‌گوید: یک، حرف وهابی پسند نزنید که آن‌ها بگویند: ببینید که حرف ما درست است. دو، استعمال محرمات مثل غناء. با موزیک و رقصاندن و چرخاندن و این چیزها عشق امام حسین(ع) زنده نمی‌شود. بعد ایشان می‌گوید: غالباً نوحه‌های لطمه خالی از غناء نیست. آن موقع که این حرف‌ها نبوده، شیخ عباس قمی می‌گوید: اغلب این مداحی‌های لطمه که هیجان زیاد می‌دهند، اغلب غناء است.

## شیطان را شریک نکنید

سه، از اکاذیب مفتعله؛ یعنی دروغ های ساختگی، روضه‌های ساختگی، من در آوردی و حتی حکایات ضعیفه مضنونه الکذب و روایاتی که روایت است ولی سندش ضعیف است و آدم احتمال می‌دهد که این‌ها دروغ باشد. می‌گوید: حتی از آن‌ها هم ساختگی و هم روایات ضعیف السندی است که آقا شیخ عباس قمی می‌گوید: در جمله معتبره بلکه نقل از کتبی که مصنف آن از متدینین اهل حدیث نباشد، احتراز کنند؛ یعنی کتاب‌هایی که نویسنده‌اش آدم ملای معتبر شناخته شده نیست از او چیزی نقل نکن. و الا ایشان می‌گوید: مشارکت در کذب است. می‌گوید: اگر این کار را بکنید، شیطان را در این عبادت بزرگ که اعظم شعائر الله است، و بالاترین شعائر الله عزاداری برای امام حسین(ع) است، می‌گوید: شیطان را در این عبادت بزرگ شریک کردید و این معاصی روح عبادت را می‌برد. آن هیأت دیگر هیأت شیطانی است و هیأت الهی نیست. خصوصاً ریاء، پز، اداء و این که ما می‌خواهیم ما را بشناسند، هیأت ما را بشناسند، این مداح را می خواهند بشناسند. این‌ها همه مصداق ریاء است. و یا کذب، نوحه‌های دروغی و غناء، موزیک‌های هیجانی. این عمل متأسفانه ساری و جاری است و کمتر کسی از او مصون مانده است، در آن زمان چه رسد به الآن. خدا رحم کرد که شیخ عباس الآن نبود. از این سه مورد الی ماشاءالله می‌دید. بعد می‌گوید: ثواب آن چنان است در این مقام که چند خبری در بزرگی عقاب هر یک مذکور می‌شود که شروع می‌کند روایاتی را نقل می کند که ریاء است. چه گناهانی دارد؟ به خصوص در امر عزاداری امام حسین(ع) کذب و دروغ چقدر عذاب دارد؟ مخصوصاً دروغ بستن به اهل‌بیت(ع) و یکی هم این غناء و موسیقی است. این یک نکته.

مهم تر حرکت‌شان این بود نفوذ در حوزه هیأت‌ها و مساجد و روحانیون را بردند به این سمت. القاء شعار جدایی دین از سیاست.

## خطاب به سخنرانان

چیزهایی آوردم که برای بزرگان است ولی به خدا می‌ترسم که بخوانم. یک وقت جمله‌هایی از آقای شهید مطهری من می‌خواندم که چه بامبولی در آوردند. در حالی که نصفش را سانسور کردم. شهید مطهری می‌گوید: این که بگو آقا گناه کن، ظلم بکن، ربا بخور، ریاء بکن، دروغ بگو، امربه‌معروف نکن، نهی‌ازمنکر نکن، جبهه نرو، هیچ کاری نکن و هر کاری دلت می‌خواهد بکن ولی فقط در روضه اباعبدالله(ع) یک کم مَشتی سینه بزن که تمام گناهانات پاک است. مثل بچه‌ای که از مادر زاده شده است. شهید مطهری می‌گوید: این‌هایی که این حرف‌ها را می‌زنند قالتاق هستند نه شیعه. ایشان می‌گوید: این‌طور شیعه قالتاق‌ترین آدم‌هایند این‌ها شیعه واقعی نیستند. تازه خیلی از حرف‌هایشان را نگفتم. یک بار گفتم و شروع کردند که آقا! گفته شیعه قالتاق است. این یعنی شیعه

قالتاق است؟ تلویزیون هم سانسور می‌کند و می‌گوید: این‌ها مصلحت نیست. خیلی قشنگ. می‌گویند: این‌ها مصلحت نیست. می‌گویم: این‌ها درست یا غلط است؟ این‌ها حرف امام است؟ حرف‌های مطهری است یا نه؟ بله، هست ولی مصلحت نیست. نمی‌دانم از کجا می‌فهمند چه مصلحت نیست و چه مصلحت است؟ یک بحثی داریم که قرار بوده پخش شود، الآن به من زنگ زدند که آقا یک سری جملاتی است که باید حذف شود. گفتم: کدام جملات؟ گفتند: یکی از آن‌ها این‌که چرا گفتی که در جبهه در عملیات بدر، شرق دجله ما آنجا گیر کرده بودیم، محاصره و شیمیایی و بعد آن نیروی دشمن آمد بالای سر نیروهای ما که مجروح بود. خودم صحنه را می‌دیدم که تقریباً خط شرق دجله سقوط کرده بود. منطقه شیمیایی و وضع عجیبی شده بود. خودم دیدم که تیر خلاص زد به او و بعد آمد بالای جاده رقصید. از این جالب‌تر این‌که می‌گویند: کل ملت ایران در جنگ و انقلاب بودند، این طور نیست. یک چند صد هزار خانواده جنگیدند. نه ملت شریف ایران. این ملت شریف ایران را می‌شناسم. مثل همه ملت‌های شریف دیگراند. ما گفتیم که انقلاب در اول با چند هزار نفر شروع شد و بقیه که نبودند، کم‌کم آمدند. در جبهه هم چند صد هزار خانواده جنگیدند. شما در خانواده فامیل‌های خود ببینید که آیا همه خانواده‌ها جنگیدند و جبهه رفتند؟ نه، از هر فامیلی چند خانواده مدام بچه‌هایشان دو تا سه تا جبهه بودند و بقیه می‌ایســـتادند و نگاه می کردند. شاید بعضی از آن‌هایی هم که نگاه می‌کردند خود شما و بعضی از خانواده‌های شما بودند. خود شماها بعضی‌ها از خانواده هایتان که سن شما اجازه می‌دهد به جبهه رفتند و بعضی‌ها هم نرفتند. التماس دعا داشتند و دعا می‌فرمودند. می‌گوید این‌ها را باید حذف کنید. این باعث می‌شود ملت وحدتش زیر سؤال برود. گفتم: پس امیرالمؤمنین علیه‌السلام که می‌گوید: «یا اشباح الرجال و لا رجال» به چه کسی می‌گوید؟ قرآن می‌فرماید که یک عده‌ای از ترس چشم‌هایشان از حدقه داشت بیرون می زد گفتند: «ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا» قرآن به وحدت فکر نکرده است؟ سیدالشهدا علیه‌السلام هم که در امت جدش با هفتاد و دو نفر تنها می‌مانند، اگر این‌ها را هم بگوییم حذف وحدت اســـت. این‌ها یک واقعیتی است. یادتان باشد دوباره یک حادثه‌ای اینچنین پیش آید، خود ما و شماها دو تیپیم. بعضی‌هایتان در می‌روید و می گویید: هیأت به ما احتیاج دارد. پرچم سیدالشهدا علیه‌السلام نباید پایین بیاید. آش شله سیدالشهدا علیه‌السلام و این دیگ نباید پایین بیاید. این دیگ نباید تعطیل شود. بعد بعضی‌هایتان هم می گویید: من پرچم اباعبدالله علیه‌السلام را بر می‌دارم و می‌آیم زیر آتش، در قلب بمباران شیمیایی و آنجا می گویم: یا حسین. هیأت‌ها دو نوع هستند. روضه‌خوان‌ها دو نوع هستند. آخوندها دو نوع هستند. در اغلب عملیات‌ها جلوی بچه‌ها در خطرناک‌ترین جاها بچه‌های طلبه بودند. بچه‌های طلبه جلوی

غواص‌ها، جلوی خط شکن، طلبه‌های جوان بودند. آخوند هم داشتیم که می‌گفتیم: چرا نمی‌آیی به جبهه؟ امام گفته هر کسی می‌تواند اسلحه بردارد بیاید. گفت: آقا! شما به فکر الآن هستید، من به فکر آینده اسلام هستم. این آینده هیچ‌وقت نرسید. این همین‌طور چاق شد، چاق تر شد و به آینده اسلام نرسید. ما مداح داشتیم که می‌آمد مداحی می‌کرد، خودش اصلاً اشکش نمی‌آمد. مثل بعضی از شماها. اصلاً این قلبش تکان نمی‌خورد. ما می‌گفتیم: واقعاً چه‌طور این جمله‌ها را می‌گوید و همه دارند گریه می‌کنند ولی خودش ادای گریه را در می‌آورد. مداح داشتیم که هنوز شروع نکرده بود به مداحی ما می‌دیدیم دارد تنش می‌لرزد. خودش دارد گریه می‌کند. اصلاً لازم نبود بخواند ما از گریه او گریه‌مان می‌گرفت. طلبه داشـــتیم که جلوی غواص‌ها حرکت می کرد و می‌گفت: وقتی من رفتم خط را شکستم بعد شما بیایید. آخوند و طلبه داشتیم که تا اهواز به زور می‌آمد بعد دیگه آیات جهاد می‌خواند، آیات شهادت می‌خواند. می‌گفت: بروید الآن حورالعین منتظرتان هستند. گفتم: آقا! از این حوری‌ها خودتان هیچ نمی‌خواهید؟ می‌گفت: حالا شما بروید، آماده کنید بعدها هر وقت مصلحت بود می‌آییم.

**دو خط مجزا**

دو نوع آخوند داریم، دو نوع مرجع تقلید داریم. مرجع تقلیدی داشتیم که با شاه همکاری می‌کرد. مدارکش در ساواک است. احساس تکلیف نکرد. تا خمینی آمد احساس تکلیف کرد. یک نکته دیگر هم است این بحثی که گفتند سر این قضایا، ما توی آخوندهای وهابی داشتیم که وقتی حزب الله داشت با اسرائیلی‌ها می‌جنگید، گفت: شیعه از یهود بدتر است. بگذارید با همدیگر بجنگند شیعه و یهود چرا که هر دوی آن‌ها کفرند. از یک طرف وقتی که حماس داشت در غزه می‌جنگید با اسرائیل ما کسانی را داشتیم در ایران که می‌گفت: سنی و یهودی یکی از یکی بدتر، بگذار همدیگر رو بزنند. به ما چه فلسطین. این‌ها برای الآن نبود. امام در نجف بود، فلسطینی‌ها در اردن قتل عام شدند رفتند جنوب لبنان. جنوب لبنان شیعه بود. اسرائیل برای این‌که نگذارد آنجا هم بمانند و بین شیعیان جنوب لبنان با فلسطینیان که سنی بودند درگیر شود، شروع کردند تبلیغات رایج که در همان موقع به بعضی از علماء و مراجع نوشتند که در سندی که آوردم در کتاب دانشنامه فلسطین اســـت که نامه امام و پیامی که امام داده برای ماه رمضان ده، دوازده ســـال قبل از انقلاب است. فلسطینی‌ها نامه نوشتند به امام که آقا دارند در جنوب لبنان که مردم شیعه‌اند همه جا پخش کردند که عین عبارت را می‌خوانم . که فلسطینیان ناصبی و ضد شیعه هستند و در شب عاشورا جشن و پایکوبی می‌کنند. و به ناموس مردم شـــیعه چشم طمع دارند و با این کار دارند نفرت مردم شیعه را علیه ما تحریک می‌کنند که اسرائیل

تباکی هـــم تظاهر به گریه نیســـت، گریانـــدن متقابل یکدیگر است. یک تقابل جمعی است و تظاهر ریایی نیست.

می‌خواهد که ما را از فلســطین و اردن بیرون کنند، و از جنوب لبنان هم می‌خواهند درگیر شویم. تا آن‌ها را بیرون کنند. و هر کسی نمی‌تواند به ما کمک کند الا عالم شیعی که او تأیید کند که ما این‌طور نیستیم. بعد این‌که فلســطینی را هم می‌دانید که این‌ها شافعی‌اند. اصلا امام شافعی، رهبر شافعی اهل غزه است. و مادرش هم علوی بود. وخودش هم اهل‌بیتی بود و معتقد بود که حکومت مال بنی‌امیه و بنی عباس نیست. مال اهل‌بیت پیغمبر ﷺ است. و در یمن با همین شیعیان زیدی قیام کرد و بازداشت شد. این‌ها شافعی‌اند. شما دیدید مسجد امیر المؤمنین علیه‌السلام، مسجد فاطمه الزهرا علیهاالسلام مسجد حسنین داشتند و دارند. آن موقع این‌ها حرف‌ها را زدند. امام نامه نوشــت و پیامی داد که تبریــک گفت: حلول ماه مبارک رمضان را و تهمت را رد کرد و گفت: این اختلاف کلمه‌ها و دورغ‌هایی که می‌گویند و از آن طرف هم البته به فلســطینی هم گفت: که متن امام را خودتان در دانشنامه فلسطین ص۲۰۴ بخوانید. مسئله بعدی این است که اگر ما با اهل‌بیت هستیم وحدت باید باشد. یعنی چه؟ یک وقتی با هواپیما می‌آمدم که یکی آمد و گفت: آقا! الان خمینی دارد آن دنیا عذاب می‌شود. گفتم: از کجا فهمیدی مگر از آن دنیا آمدی؟ گفت: نه، ایشان گفت: با قاتلان فاطمه زهرا وحدت کنیم. این مردم سنی، این‌ها قاتلان فاطمه زهرا علیهاالسلام هستند؟ اکثر مسلمین در دنیا قاتلان حضرت زهرا علیهاالسلام هستند؟ در حالی‌که این‌ها مستضعف‌اند و اطلاع ندارند. در مسجد الحرام از یک آدم مسن اهل سنت پرسیدم: علی ابن ابی طالب کجا دفن است؟ گفت: نمی دانم. گفتم: اسم حسن و حسین را شنیدی؟ گفت: بله، قربان شان بروم. اشکش می‌خواست بیاید. گفتم: حسین ابن علی چه‌طور از دنیا رفت؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: قبرش کجاســت؟ گفت: نمی دانم. اطلاع ندارند. این‌ها قاتلان حضرت زهرا علیهاالسلام هستند ؟ بعد حضرت امیر علیه‌السلام که اگر کسی اصل صاحب حق امیرالمؤمنین علیه‌السلام است، خود علی ابن ابی طالب علیه‌السلام چه می‌گوید؟ حق ولایت، حق ماست. این‌ها ظلم کردند. غصب کردند. ولی من این‌که یا باید بایستیم در برابر این‌ها جنگ داخلی و خونریزی بین مسلمین راه بیفتد یا باید تحمل کنیم در حالی که استخوان در گلو و خار در چشم دارم. من دومی را انتخاب کردم. برای این‌که نمی‌خواهم جنگ داخلی شود. همین کاری که الان راه انداختند در عراق و سوریه و پاکستان و به ایران هم چند بار تلاش کردند که بکشانند و هنوز هم دنبالش‌اند که بچه سنی بمب به خود ببندد، غسل شهادت کند و بیاید وسط مسجد شیعه «الله اکبر» که می‌خواهم بروم به ضیافت رسول الله. شهادت فی سبیل الله. بعد یک بچه شیعه هم باید برود در مسجد سنی‌ها این کار را بکند، چه کسی باید این را ببیند و بخندد؟ آمریکا و اسرائیل و لندن. بگویند: شهادتت مبارک، تو هم شهادتت مبارک. اگر بمب

هم کم آوردید به هر دو بدهیم. خیلی حقیقت‌ها هست که اهل‌بیت به خاطر این‌که جنگ داخلی راه نیفتد، بین مسلمین استخوان در گلو و خار در چشم تحمل کردند. به خاطر یک مصلحت بزرگ‌تر. این‌که آقای شیخ عباس می‌گوید: چیزی نگویید که نواصد خوشحال شوند و بهانه بیاودند و سنی‌ها را ببرند به طرف خودشان. سنی با وهابی یکی نیست. این را مواظب باشید. در منابع اهل سنت روضه امام حسین است. در بزرگان اهل سنت همین حرف‌هایی که می‌گویم هیأت در روایات‌شان البته خیلی کمتر از ما ولی هست. که اشک بر اباعبدالله(ع) چقدر پاداش دارد؟ بگذارید برایتان بخوانم. اولاً، امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: نامه نوشتند به موسی اشعری، جمله حضرت این است: «یَسرَ رَجُلٌ فَاعلَم؛ هیچ کس نیست، شعور داشته باش و بفهم»، «آحرَصَ عَلَی جَماعَه، جَماعَه اُمَّهِ محمد مِنّی» ابوموسی هیچ کسی حتی یک نفر نیست که به اندازه من حریص باشد بر وحدت امت و هیچ کس به اندازه من وحدت این مردم را نمی‌خواهد، جماعت این مردم را نمی‌خواهد، این‌ها را نمی‌خواهد که این‌ها با هر مذهبی هستند با هم دوست باشند. «التَقّی بِذلِکَ» من چرا این کار را بکنم؟ «التَقّی بِذلِکَ» هدف من این است «حُسنُ الثَوابِ و کَلَمِ المعاد» هدف من پاداش الهی و بازگشت به بهشت الهی است. فقط برای خدا. من حرص دارم برای وحدت این مردم. نمی‌خواهم اختلاف بیفتد و درگیری بشود. البته مظلومیت اهل‌بیت را ما می‌گوییم، حقانیت اهل‌بیت را هم می‌گوییم، یک وجب هم عقب نمی‌رویم. ما که می‌گوییم وحدت شیعه و سنی منظورم این نیست که حالا نه شیعه باشیم نه سنی و بشویم سنی. نه خیر شیعه‌ایم. از عقائد تشیع، از مظلومیت اهل‌بیت، از حق اهل‌بیت، یک وجب عقب نمی‌رویم. اما به هیچ قیمتی جنگ داخلی بین مسلمین که توهین به مقدسات است، نمی‌کنیم. فرض کن حداقلش این است که باید تقیه کنی. نوار آوردند از جلسه عید عمر که در سیستان و بلوچستان رفته بودم، دانشجوی سنی که طرفدار انقلاب و امام است. باباش در جبهه شهید شده است، گفت: آقای فلانی، این نوار را ببینید. این نوار را آورده بود که فحش‌های ناموسی و خواهر و مادر به خلفاء بود. بعد همه می‌خندیدند. فکر می‌کنید این نوار را چه کسی آورده بود در خوابگاه‌های دانشجویی زاهدان و کردستان تکثیر کرده بود؟ وهابی‌ها. این نوار را آوردند تکثیر و پخش کردند و گفتند: ببینید، این‌ها در جلسات‌شان چه می‌گویند و به امیرالمؤمنین(ع) چه لقب‌هایی می‌دهند؟ می‌گویند: العیاذ بالله مثلاً که خلاف شرع است و قرآن در این باب موضع دارد و نمی‌دانم چه. عایشه بر وضع چه؟ این‌ها در نوار و همه غش غش دارند می‌خندند. و یکی از آن طرف جلسه یک فحش

یکی ریاء یکی کذب، دروغ گفتن برای این‌که بازار هیأت گرم شود. ریاء کردن، پز دادن، ادا در آوردن که هیأت ما، محل ما، آخوند ما، مداح ما، در هیأت شما چه کسی آمده است؟

و متلک خواهر و مادری بد می‌دهد به خلیفه دیگر. او می‌گوید: نه، این نوارها را وهابی‌ها آوردند در کردستان و سیستان و بلوچستان و گنبد تکثیر کردند. انداختند در خانه‌ها، انداختند در خوابگاه دانشجوها. دانشجوی سنی و خانواده سنی متدین بر می‌گردد و می‌گوید: این‌ها چه می‌گویند؟ اولین اتفاقی که می‌افتد این است که پای ماهواره می‌نشیند و حرف‌های وهابی را گوش می‌کند و می‌گوید: درست می‌گویند. هر کس کمک کند که یک خانواده سنی گرایش به سمت وهابیت پیدا کند این نوکر وهابیت است و خائن به اهل‌بیت است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: هیچ کس حریص‌تر بر این امت نیست.

### نمونه ای از روایات اهل سنت

آن روایت‌هایی که عرض کردم یک نمونه‌اش را بگویم. از این روایت در روایات اهل سنت هم زیاد است. احمد ابن حنبل، از منابع اصلی روایات اهل سنت است. از عامر شاتبی نقل می‌کند. وقتی‌که در سفری همراه علی ابن ابی الطالب علیه‌السلام بود. حضرت هنگامی که در مسیر خود به صفین و به نینوا رسیدند صدا دادند: یا اباعبدالله کنار شط فرات بایست. عامر شاتبی می‌گوید: عرض کردم، آقا برای چه بایستیم؟ فرمود: روزی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شدم در حالی‌که اشک می‌ریخت. عرض کردم یا نبی الله کسی شما را نارحت یا عصبانی کرده است؟ چرا اشک می‌ریزید و گریه می‌کنید؟ فرمودند: الان جبرئیل از نزد من خارج شد و خبر داد که حسین تو در کنار شط فرات به شهادت خواهد رسید. جبرئیل به من گفت: آیا می‌خواهی تربت او را همین‌جا استشمام کنی؟ عرض کردم: آری. آن‌گاه جبرئیل قبضه‌ای و مشتی از خاک تربت امام حسین علیه‌السلام را به من داد و این خاک و تربت حسین است. و در این هنگام طاقت نیاوردم و گریستم. این در منابع اهل سنت است. ده‌ها و ده‌ها از این روایت‌ها است. وهابی‌ها نمی‌خواهند سنی این‌ها را ببینند، نمی‌خواهند شیعه این‌ها را ببینند. این خاک ماند دست جناب ام سلمه وآن را در شیشه‌ای گذاشت و گفت: وقتی این اتفاق بیفتد این خاک خونین خواهد شد.[1] این‌ها در منابع اهل سنت هم است. سند دیگر که ام‌سلمه می‌گوید که روزی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله مضطرب از خواب بیدارشدند، دوباره دراز کشیدند و خوابیدند، دوباره مضطرب بیدار شدند. بار سوم این عمل تکرار شد که نگران شدم و این بار به سمت ایشان آمدم که دیدم دستان مبارکش تربت سرخ بود که آن خاک را می‌بوسید و اشک می‌ریخت. عرض کردم یا رسول الله این تربت چیست؟ فرمود: جبرئیل به من خبر داد که فرزندم حسین در عراق قطعه قطعه خواهد شد. به جبرئیل گفتم: تربتی که حسین علیه‌السلام در آن به شهادت می‌رسد را می‌خواهم. جبرئیل از آن تربت آورده است و این آن تربت است.[2] روایت در این باب زیاد است. در منابع سنی هم است.

ما منابعی داریم که از قرن سه و چهار هجری تا همین یک قرن گذشته منابع و روایت داریم. علمای بزرگ سنی زیارت اباعبدالله(ع)، زیارت امیرالمؤمنین(ع)، زیارت امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) در قم نه به عنوان این‌که این‌ها را معصوم بدانند، بلکه به عنوان این‌که این‌ها اهل‌بیت پیامبراند و همه‌شان انسان الهی بودند. تا همین چند وقت پیش بود و هنوز هست در بعضی جاها که حتی روز شهادت حضرت زهرا(س) در بعضی از مناطق سنی نشین ایران نمی‌دانم خبر دارید یا نه؟ مردم، برداران و خواهران اهل سنت می‌آمدند در عزاداری. بعضی از دوستان ما که اهل شمال هستند، می‌گفتند: هم وطنان اهل سنت شافعی که در آنجا هستند روز شهادت حضرت زهرا(س) هر وقت مجلس می‌گیریم، شربت عزاداری‌ها با آن‌ها است. سنی غیر از وهابی است. ولی وقتی‌که توهین کردی و فحش ناموسی دادی به خلفاء و ام‌المؤمنین و این‌که این نوار را پخش می‌کند بعد یک مرتبه جوان سنی می‌گوید: این‌طور است. این‌ها بی‌خودی می‌گویند وهابی. این‌ها با اصل مذهب ما مشکل دارند. این همان حرفی است که آقا شیخ عباس قمی می‌گوید. این معنی‌اش این نیست که ذکر مصیبت اهل‌بیت را نکن. ذکر مصیبت اهل‌بیت را با همه قدرت باید کرد. ذکر مظلومیت اهل‌بیت بزرگ‌ترین عبادت است. اشک ریختن، گریستن و گریاندن بزرگ‌ترین عبادت است. لذا حق اهل‌بیت و از ولایت بلافصل امیرالمؤمنین(ع) باید محکم و درست و منطقی دفاع کرد. امّا ملاحظه این را هم بکن که حضرت امیر(ع) خودشان چه فرمایند؟

**یک چیزی در این میان بود که امام حسین(ع) هم پیش او ارزش نداشت. او ارزشش بیشتر بود از امام حسین. و الا چرا امام حسین(ع) فدای او شود؟ آن چیست که امام حسین(ع) که عصاره خلقت است پیش پای او قربانی می‌شود؟ آن چیست که از امام حسین(ع) عزیزتر است؟ از فاطمه(س) و علی(ع) عزیزتر است؟ آن چیست؟ آن توحید است. خداست. عدالت است. فلسفه بعثت همه انبیاء قسط است.**

### نقشه نابودی روحانیت

آخرین بخش عرایضم این‌که امام چیزی داشت به نام منشور روحانیت ما آن زمان طلبه بودیم در قم. من طلبه حوزه مشهد بودم و جنگ که تمام شد متأهل شدم و آمدم قم و چند ماه بعد که یادم است در زمستان سال ۶۳ امام راجع به بعضی از متحجرین بحث کردند. من بحثم را با این عبارات امام راجع به هیأت‌ها و آخوندهای متحجر که این‌ها در برابر شاه سکوت مطلق کردند جمع کنم. زیر سایه صدام در حوزه نجف احساس تکلیف شرعی نمی‌فرمودند. یک کلمه حرف نمی‌زدند. آمریکا آمد عراق را اشغال کند یک کلمه حرف نزدند. تا امام آمد احتیاط‌های شرعی‌شان گل کرد. آقا آنجا در آن گوشه یک عمل خلاف شرع دارد انجام می‌شود. چیزی نگفتید. حالا یک مرتبه این‌ها از همان زمان این حرف‌ها را می‌زدند. ناله‌های امام را ببین. گفته: استکبار می‌گوید طلاب عزیز مواظب باشید مارهای خوش خط و خال در حوزه هستند، روحانیون وابسته مقدس‌نما و تحجرگرا. می‌گوید: دشمن جهان خوار اگر می‌تواست ریشه و نام روحانیت را می‌سوزاند. ولی خداوند نگهبان این مشعل

مقدس بوده است. و از این پس هم ان‌شاءالله خواهد بود به شرط این‌که مکر و فریب جهان خواران را بشناسیم. بعد می‌فرمایند که به این معنا نیســـت که من از همه روحانیون دفاع کنم. ما روحانیون وابسته، مقدس‌نما، تحجرگرا زیاد داشتیم. این‌ها کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند کسانی که علیه انقلاب و اسلام ناب فعالیت دارند. امروز یک عده با ژست تقدس نه این‌که مقدس باشند ژست و ادای مقدس‌مآبی را در می‌آورند و چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌ها کم نیست. استکبار وقتی از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد دو راه برای ضربه زدن انتخاب کرد. یکی راه ارعاب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ. در قرن معاصر می‌گوید: حربه ارعاب و ترعیب‌شان کارگر نشد و راه‌های نفوذ را فعال کردند. مهم‌ترین حرکت‌شان این بود نفوذ در حوزه هیأت‌ها و مساجد و روحانیون را بردند به این سمت. القاء شعار جدایی دین از سیاست. این‌که آقا اباعبدالله را سیاسی نکن. نیمه شعبان دیگر بگذار ما حالی کنیم. حواس‌مان را پرت نکن. ما می‌خواهیم با هم حال بکنیم. القاء شعار جدایی دین از سیاست. می‌گوید: متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت کارگر شد و اثر کرد و تا اندازه‌ای و بخشی از روحانیت ما منحرف شد. تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه دانسته شد. ورود به معرکه مبارزه تهمت وابستگی به اجانب را می‌آورد. می‌گوید: روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشتند.

### ضربه خودی‌ها

گمان نکنید تهمت وابستگی و افتراء بی‌دینی را اغیار به روحانیت فقط می‌زدند. ضربات روحانیت ناگاه یا آگاه وابســـته به مراتب کاری‌تر از دشمن بود. آقا ما آخوند داشتیم، هیأت داشتیم از سال ۴۲ که رفتم می‌گفت: این خمینی وهابی است. می‌گفت: این‌ها انگلیسی‌اند. سیاسی‌اند و دارند آبروی اسلام و روحانیت را می‌برند. می‌گوید: در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستیم بگوییم: شاه خائن است بلافاصله این‌ها قبل از خود شاه در حوزه از آن‌ها جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است. شاه شیعه است؟ تمام جهان شیعه و مرکز تشیع را فروخت. در مشهد نزدیک حرم امام رضا(ع) فاحشه خانه و عرق فروشی بود. پیاده شاید ۲۰ دقیقه راه نبود از خیابان ارک تا حرم. این‌ها ککشان نمی‌گزید. این‌ها بزرگ‌ترین جهادشان این بود که از آن خیابان نرویم یا اگر رفتی سرت را بیندازی پایین و برو. خب، تو سرت را می‌اندازی پایین، هزاران نفر که دارند می‌روند آنجا به فسق و فجور که تو مسئول مگر نیستی؟ بعد صدام حمله کرده امام دارد دفاع می‌کند پیام داده به امام که جواب خون بچه شیعه‌ها را که می‌دهد که دارند کشته می‌شوند در جبهه. مگر جنگ را من راه انداختم که باید

جواب بدهم. امام هم خوب گفت: جواب این خون‌ها را همان کسانی بدهند که خون شهدای صفین و جمل و نهروان را می‌دهند. چون ما راه همان‌ها را می‌رویم. ما به فرمان حضرت علی(ع) عمل می کنیم. می گوید: ما گفتیم: شاه خائن است. می گفتند: شاه شیعه است. عده‌ای مقدس‌نما و پس‌گرا همه چیز را حرام می‌دانستند. هیچ کس هم قدرت نداشت جلوی این‌ها قد علم کند. می گفتند: این‌ها روحانیت‌اند. علمای هیأت‌اند. مداح مجلس امام حسین است. کدام مجلس امام حسین این‌طور بوده است. این مجلس‌ها را که اول خود یزید گرفته است. اولین مجلس امام حسین(ع) را یزید گرفت. این‌طور شده است. خواهشم این است که بفهمید چه خبر بوده است. امام می گوید: خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورد همین‌هایی که می گویند تا ظهور حضرت امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر تعطیل است. اجرای عدالت و قسط تعطیل است. راه احکام اجتماعی اسلام نه این‌که واجب نیست، بلکه حرام است. گناه بیشتر شود امام زمان(ع) بیاید. مسئله فلسطین سنی با یهودی به ما ربطی ندارد. همین‌ها حالا انقلابی و سیاسی شدند و تعبیر سیاسی می‌دهند. امام می گوید: خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورد هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورد. می‌فهمی یعنی چه این جمله؟ می گوید: من از دست شاه این‌قدر زجر نکشیدم که از دست این آخوندهای متحجر و این‌طور هیأت‌ها کشیدم. این‌ها ما را بیشتر آزار دادند. این‌ها من را خیلی اذیت کردند. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد فقاهت در منطق ناآگاهان شد و چه؟ غرق شدن فقط در احکام فردی و عبادی فقط دین، نماز، روزه، حج، دعای ندبه و دعای کمیل فقط همین‌ها است. نظام سازی نیست و جهاد و عدالت و اقتصاد و سیاست اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی و رسانه اسلامی. می گوید: جدایی دین از سیاست جا افتاد. می گوید جدایی دین از سیاست جا افتاد تو هیأت‌ها و مسجدها و بین خیلی از روحانیون فقاهت در منطق این‌ها شد فقط غرق شدن در احکام فردی و عبادی تعطیل احکام اجتماعی و احکام غیر عبادی قهراً فقیه هم مجاز نبود از این دایره و حصار بیرون برود و در سیاست دخالت کند.

حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد؛ یعنی روحانی هر چه احمق‌تر مقدس‌تر و بهتر. هیأتی، مداح هر چه احمق‌تر مؤمن‌تر است. پاک‌تر است.

### کلامی از امام

این جمله را من اگر بگویم و الان هم که می گویم امام گفته باز می‌ترسم برایم حرف در بیاورند. به حضرت عباس امام گفته است. همین که الآن می‌خواهم بخوانم. می گوید حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. هر چه روحانی احمق‌تر، ساده لوح‌تر و زودتر سرش کلاه رود مقدس‌تر بود. اگر یک آخوندی پیدا می‌کردی کلاهش را برمی‌داشتی سریع زود می‌توانستی کلاهش را برداری می گفتند این خیلی تقوا دارد.

این خیلی مقدس است. جلوی پایش را نمی‌تواند ببیند و نمی‌تواند درست راه برود و سرش می‌خورد به دیوار می‌افتد و نمی‌تواند بلند شود، این خیلی باتقوا است. ولی اگر آخوندی باشد که تقوا دارد و زرنگ است و مجاهد هم هست و جلوی قدرت‌ها بایستد و پوزشان را به خاک بمالد این یک کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد؛ یعنی روحانی هر چه احمق‌تر مقدس‌تر و بهتر. هیأتی، مداح هر چه احمق‌تر مؤمن‌تر است. پاک‌تر است. کلاه سرش می‌رود می‌گوید: به نظر این‌ها روحانیت زمانی قابل احترام بود که حماقت از سر و پایش برویَد. و الا عالم سیّاس و روحانی زیرک کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت، متدین‌تر بود. اصلاً این رسم شد و از مسائل رایج حوزه‌ها شد که هر کس کج راه می‌رفت، متدین‌تر بود. هر که هم درست راه می‌رفت، این مشکل دارد. می‌گوید به خاطر بعضی از نظرات من که ظرف بچه من را آب کشیدند و اگر این روند ادامه می‌یافت وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد و خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ کرد. می‌گوید حوزه دو تفکر است و دو حوزه است. علمای دین باور صالح مجاهد متقی هم در همین حوزه تربیت شدند، و صفشان را از این‌ها جدا کردند. و این قیام و پیروزی‌های بزرگ شیعه محصول کار این‌ها است. من یک سؤالی از شما دارم. این‌هایی که می‌ایستند و می‌گفتند انقلاب و سیاست و مبارزه با شاه حرام است، مبارزه با اسرائیل حرام است، تشکیل حکومت تا قبل از غیبت حرام است، ولی آن‌چه که واجب است چیست؟ فحش‌های ناموسی دادن به سنی و مقدسات اهل سنت واجب است. از نماز هم واجب‌تر است. من می‌خواهم یک سؤالی بکنم که حضرت عباسی جواب دهید این‌ها بیشتر شیعه را در دنیا عزیز کردند و توسعه دادند و گرایش به سمت تشیع را زیاد کردند یا امام؟ امام یک کلمه فحش و توهین به هیچ مقدساتی و مذهبی ندادند. یک کلمه نگفتند. ولی تشیع را طوری معرفی کرد که در وصیت نامه‌اش هم گفت من افتخار می‌کنم که امامم علی است و حسن است و حسین است و فاطمه است و علی ابن حسین است و محمد ابن علی است و چه تا آخر که تک تک اسم می‌برند و افتخار ما این است که یک قدم عقب نمی‌رویم و اسلام اصیل اسلام اهل‌بیت است. یک کلمه هم به کسی توهین نکرد. خب، این روش امام، روش رهبری، این روش همین سید حسن نصرالله چه‌قدر سنی را شیعه کرده باشد خوب است؟ چه‌قدر غیر مسلمان را به اسلام علاقه‌مند کرده باشد خوب است؟ چه‌قدر عزت و حرمت برای شیعه درست کرده باشد خوب است؟ توهین هم نکردند به مقدسات اهل سنت و تکلیف الهی در عصر غیبت هم یعنی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر،

جهاد برای قسط و عدالت و عزت اسلام هم عمل کردند. این‌ها بیشتر شیعه را محبوب کرده در دنیا آثارش را هم دارید می‌بینید. همه جا دنیا به هم ریخته است. همین سنی‌های غزه پرچم بردند بالا و گفتند تشکر از ایران تشکر از شیعه همین‌ها این کار را کردند. و این سلسله ادامه دارد که دو روز پیش آخرین آن در یمن بوده است. این شیعه را عزیز می‌کند نه آن روش و برخورد. و آخرین عبارت که امام می‌گوید: البته حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته است فکر نکنید تمام شد این‌ها هستند. این‌ها حتی از بچه طلبه تا مرجع تقلید هنوز هستند. این‌ها هیأت دارند، سینه زنی دارند و همه کار دارند. همه‌شان هم آدم‌های بدی نیستند خیلی‌هایشان هم آدم‌های خوب و متدینی هستند. ناآگاه‌اند ولی بعضی‌هایشان مریض‌اند. امام می‌گوید هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند. مراقب باشـــید دوباره تفکر جدایی دین از سیاست دوباره از لایه‌های تفکر اهل جنود به طلاب جوان سرایت نکند. امام می‌گوید: این‌ها دوباره ممکن است برگردند در حوزه‌ها و هیأت‌ها و قوی شوند. دوباره هیأت‌های بزرگ راه بیندازند. دوباره مسجدهای بزرگ، دوباره گروه گروه طلبه تربیت کنند بر اساس این مکتب. می‌گوید: یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود همین قضیه است. که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نفهم و ساده لوحان بی‌سواد عده‌ای کمر همت بستند برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشتند. می‌گوید شما سر سفره روحانیت و تشیع و اهل سنت نشسته‌اید. شما نان این روحانیت را خورده‌اید. ما چوب اهل‌بیت را خوردیم. هیأت‌ها دو نوع‌اند یک عده نان اهل‌بیت را می‌خورند از مداح و هیأت و یک عده چوب اهل‌بیت را می‌خورند. امام می‌گوید: ما چوبش را خوردیم. می‌گوید: اوضاع آن موقع مثل امروز نبود. هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشار و تهدید مقدس مآب‌ها از میدان در می‌رفت. این‌قدر این‌ها اذیت می‌کردند. و الآن هم می‌گوید ممکن است این‌ها برگردند. تفکر شاه ســـایه خداست. با گوشت و پوست نمی‌شود جلوی توپ و تانک ایستاد، در عصر غیبت ما مکلف به جهد و مبارزه نیستیم، جواب خون این کشتگان را که می‌دهد، و از همه شکننده‌تر شعر گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان باطل است، و هزاران ان قلت دیگر می‌گوید این‌ها از جمله مشکلات جان فرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلویش را گرفت. اکثر حوزه‌های ما و اکثر هیأت‌های ما گرفته بود و اکثر مسجدهای ما را گرفته بود و ما غریب بودیم و تنها بودیم همه چیز علیه ما بود تنها راه حل این بود که ما برویم کشته شویم، تبعید رویم، اسیر شویم، زندان رویم، شکنجه شویم تا ملت بیدار شوند. امام می‌گوید راه دیگری ما نداشتیم. ما باید می‌زدیم به دل آتشی که سیدالشهدا و اصحابش زدند. تنها راه حل مبارزه و ایثار

مســـئله حاکمیت بود و الا همه فضایل علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام را قبول داشتند.

خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده کرد. علماء و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهراگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده کردند و به مسلخ عشق آمدند. یک عده فقط برای امام حسین سینه زدند، یک عده‌ای حاضرند جان دهند برای امام حســـین آقا زمان خود سیدالشهدا هم به حضرت عباس به خدا همین بود. شما خیال می‌کنید این‌هایی که به کربلا نیامدند این‌ها امام حسین را دوست نداشتند؟ یک عالمه منابع روایی شیعه و سنی داریم که دوست داران حسین صدها هزار نفر بودند ولی نیامدند. امام حسین را نصیحت می‌کردند شما نروید. مصلحت نیست. مذهبی بودند. اهل عبادت بودند. اهل تهجد بودند. محب اهل‌بیت بودند. ولی امام حسین می‌گوید بیایید برویم می‌گویند: نه، اگر می‌شود شما هم نروید. یکی آمد امام حسین می‌گوید به ما ملحق شو می‌گوید آقا! ما که نیستیم ولی من شما را خیلی دوست دارم این اسب من بهترین اسب منطقه این شمشیر هم بهترین شمشیر هر دو تقدیم شما، هر دو تقدیم به راه اباعبدالله به خدا بسیاری از این هیأت‌ها، بسیاری از همین تیپ‌های آخوندهایی که امام می‌گوید والله اگر زمان امام حسین بودم با امام حسین همین کار را می‌کردم آن‌هایی که در انقلاب و جنگ فداکاری نکردند و جبهه نرفتند به حضـــرت عباس اگر در کربلا بودند با حضرت عباس نمی‌رفتند. و به حضرت عباس امام زمان بیاید این‌ها با امام زمان هم نمی‌روند. این‌ها حرف می‌زنند، دکان وا کردند. گفت طرف می‌گوید تا آقا نیامده می‌گوید آقا بیا خب برویم مقدمات را آماده کنیم و تلاش کنیم می‌گوید نه، باید آقا بیاید. تا آقا نیاید هیچ کس هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. نباید هم بکند. خب، بعد آقا می‌آید می‌گویند خب آقا آمدند بیایید خب دیگه آقا خودشان آمدند دیگر. دیگه خود آقا تشریف آوردند ما چه کسانی هستیم پیش آقا اذهب انت و ربک فقاتلا انا هائنا قاعدون به موسی گفتند بنی اسرائیل، اما موسی می گفت جهاد کنید، گفت نه دیگر، جنابعالی و خدا دو نفری بروید. اذهب انت و ربک، شما و خدا، شما دو بزرگوار بروید فقاتلا شما بروید جهاد کنید ان هائنا قائدون ما به خدا همین‌جا نشستیم و دعای‌تان می‌کنیم ان‌شاءالله به فتح اسلام برسید هر کس زمان جنگ ما و زمان این انقلاب می‌توانست، بعضی‌ها نمی‌توانستند، من قسم جلاله یاد می‌کنم و استدلال هم می‌کنم برایش که هر کس می‌توانست برود اما نرفت ـ به جز موارد استثناء ـ این‌ها اگر در کربلا بودند، با امام حسین نمی‌رفتند. امام زمان هم که بیاید، این‌ها پای رکاب امام زمان نیستند. والسلام علیکم و رحمة الله.

پانویس:
۱ـ مسند احمد ج ۲ ص۶۰.
۲ـ مستدرک حاکم، ج۴، ص۹۸.

## هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر ﷺ باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.


۱۵۴۲ ۰۰۰ ۳
۵۱ ۸۹ ۳۲۹۲ ۰۲۵
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org